

نقش صنایع دستی در کارآفرینی زنان و توسعه اقتصادی

زهرا پاکزاد^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۷/۰۶

تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۰۳/۱۷

چکیده

در این مقاله به بررسی و شناخت عملکرد صنعت قالی‌بافی در توسعه اقتصاد روستایی در منطقه وزوان (استان اصفهان) پرداخته شده و در این راستا نقش گسترش صنایع دستی به عنوان اقتصاد پایدار مورد توجه قرار گرفته است. همچنین، اهمیت این فعالیت و نقش آن در توسعه اقتصادی و فرصت‌های شغلی ایجاد شده با الگوی اجرایی در کشورهای در حال توسعه مانند هندوستان و چین مطابقت داده شده است. در این پژوهش توسعه اقتصادی در کشورهای فوق‌الذکر با تکیه بر دانش و فن‌آوری بومی و نقش آن در فرآیند توسعه، محوریت موضوع را به خود اختصاص داده است. لذا به عنوان نمونه فعالیت زنان روستایی بخش شمال استان اصفهان (میمه، وزوان) در نظر گرفته شده است. روش تحقیق در مقاله حاضر، توصیفی-تحلیلی بوده و نحوه گردآوری مطالب اسنادی (کتابخانه‌ای) است. تجزیه و تحلیل نظرات و ارائه راهکارها و الگوهای کارکردی از اهداف اصلی این پژوهش است. نتایج حاصل نشان می‌دهد که برنامه کارآفرینی این زنان در حوضه قالی‌بافی موجب توسعه اقتصاد روستایی شده و تا حدود هشتاد درصد در توسعه و گسترش صنایع دستی نقش مهمی را ایفا نموده است. این روند منطبق بر الگوهای کارکردی بوده که در هندوستان و چین سبب بالا بردن موقعیت آن‌ها در اقتصاد جهان شده است.

واژگان کلیدی: صنایع دستی، کارآفرینی، اقتصاد، روستا، فن‌آوری بومی.

میزان تولید را بالا برد. برای دستیابی به چنین هدفی تاکنون راه‌های متفاوتی برای توسعه هنرهای روستایی ارائه شده است که مهم‌ترین آن‌ها توجه به تولید آثار بدیع هنری است (لهسایی‌زاده، ۱۳۶۵: ۱۷۶).

وجود مواد اولیه به اندازه کافی برای همه، بسیار مهم است؛ زیرا این تنها راه برطرف ساختن بازتاب‌های ضد تولیدی و ایجاد یک فضای مناسب جهت تولید است که از سوی دیگر فرصت‌های کاری جدیدی را نیز فراهم می‌آورد و باید به‌عنوان هدف اصلی در برنامه‌ریزی اقتصادی در روستاها مدنظر قرار گیرد. بدون آن، نمی‌توان سیل مردم به‌طرف شهرهای بزرگ را تخفیف داد تا چه رسد به اینکه از حرکت بازداشت. جمعیت زنان روستایی نقش اساسی را در تولید مواد اولیه دارند (شوماخر، ۱۳۷۲: ۱۳۵) جهان سوم با کمبود فناوری، پایین بودن سطح آموزش و مهارت، افزایش بی‌رویه جمعیت و مهاجرت روستاییان به شهرها نیز، دست‌به‌گریبان است و هیچ‌یک از این مسائل نوید دور‌نمایی مثبت و خوش‌بینانه‌ای برای ورود به عصر فرا صنعتی نمی‌دهند (توسلی، ۱۳۷۵: ۱۲۰-۸۰). شوماخر در کتاب معروف "کوچک زیباست" به انبوه بیکاران و مهاجرت توده‌وار اشاره می‌کند و حاصل این تحرک جمعیت را فراگرد مسموم‌سازی متقابل می‌داند (شوماخر، ۱۳۷۲: ۱۴۷-۱۳۳). همین‌طور در بیست سال اخیر بر نقش صنایع‌دستی و هنرهای بومی روستایی و آموزش زنان در تأمین اشتغال مولد و کسب امکانات تازه به‌عنوان یک موضوع مهم تحقیقاتی در اقتصاد توسعه مطرح و در میان سیاست‌گذاران و مؤسسات بین‌المللی اعطای کمک‌ها (Donors) به‌صورت بحث روز درآمده است (C؛ و Liedholm و E؛ Cnuta، ۱۳۷۰: ۲۱۷-۱۹۵).

در مجموع، این مقاله به دنبال یافتن جوابی مناسب برای سؤالات زیر است:

۱. ضرورت ایجاد و گسترش صنایع‌دستی و هنرهای سنتی و بومی در کارآفرینی زنان و فناوری‌های متوسط، در توسعه اقتصادی و اشتغال پایدار در روستاهای ایران چیست؟
۲. کشف نیاز بازار داخلی و خارجی، طراحی، ایده‌پردازی و خلاقیت مدیریت، تدوین استراتژی ساخت، تولید و احیا، صنایع‌دستی و هنرهای فراموش شده چگونه صورت می‌پذیرد؟
۳. انجام این امر چه تأثیری در دستیابی به توسعه پایدار روستایی در کشور ایران خواهد داشت؟
۴. تجارب مفید سایر کشورها در انجام این امر چه بوده است و چگونه می‌توان از این تجارب برای دستیابی به توسعه پایدار روستایی در ایران استفاده کرد؟

توجه به تولیدات صنایع‌دستی و با تکیه بر هنرهای سنتی ایران و خلاقیت در طراحی و نوآوری، هر یک از هنرهای دستی و بومی اقوام گوناگون در کارآفرینی و رشد مشاغل روستایی نقشی مؤثر را ایفا می‌کند. افزایش تولیدات ماشینی و غیر اصیل تمایل و ذوق و سلیقه جامعه را به‌گونه‌ای به‌سوی تهیه و تولید صنایع‌دستی با طرحی اصیل و سنتی سوق داده است.

توجه به اقتصاد پایدار روستایی این ظرفیت را در اختیار برخی از روستاهای دارای منابع فرهنگی و هنری به‌ویژه صنایع‌دستی و صنایع سنتی و بومی روستایی قرار می‌دهد تا با استفاده از فرصت پدید آمده، خود برای آینده اقتصاد روستایی و توسعه روستا مشارکت و برنامه‌ریزی کنند. برای توسعه همه‌جانبه و پایدار روستایی، توجه به تولیدات صنایع‌دستی و هنرهای بومی و نوآوری در طرح‌های اصیل روستایی از راهکارهای مهم به‌شمار می‌رود. البته در کنار هر دلیلی برای ترویج صنایع روستایی به‌مثابه یک ابزار توسعه روستایی، دلیلی معکوس نیز بر ضد آن وجود دارد. به‌گونه‌ای که ایجاد شغل‌های فصلی و پاره‌وقت و درآمدهای پایین نیز مورد استفاده قرار گرفته است. از نظر پیتز دورند^۱، توسعه اقتصادی عبارت است از بسط امکانات و پرورش قابلیت هنری بومی و صنایع‌دستی زنان و مردان که برای جلوگیری از فقر ضروری است. در همین راستا، تقلیل دامنه فقر عمومی، بیکاری و نابرابری ملازم با توسعه اقتصاد است (از کیا، ۱۳۷۹: ۱۸). در اغلب مناطق روستایی جهان، شغل اصلی روستائینان به‌ویژه مردان، کشاورزی است. در مناطق روستایی، مشاغل غیر کشاورزی هم یافت می‌شوند که زنان بخش عمده آن را تشکیل می‌دهند؛ مانند پارچه‌بافی، حصیربافی، کف بافی، سوزن‌دوزی، کنده‌کاری روی چوب؛ اما آن‌ها از لحاظ اقتصادی در درجه دوم قرار دارند. در برخی مناطق، کشاورزی جنبه کار و کسب و نوعی صنعت را پیدا کرده است؛ اما در مناطق دیگر بیشتر نوعی شیوه معیشت- یا پیشه خانوادگی- محسوب می‌شود (چیتامبار^۲، ۱۳۷۸: ۱۰۶). بسیاری از جامعه‌شناسان روستایی بر این باورند که یکی از خصایص اصلی بخش هنرهای سنتی در جوامع کشورهای جهان سوم پایین بودن سطح تولید است و عدم آشنایی هنرمند سنتی به تولید صنایع‌دستی برگرفته از سلاقی بازار جهانی است. بر اساس این عقیده وقتی هنرمند به عوامل تولید سنتی محدود باشد، مقدار کمی به رشد اقتصادی کشور کمک می‌کند و این به دلیل ناتوان در به‌کارگیری عوامل مختلف برای تنوع بخشیدن به تولیدات هنری است. با اصلاح و خلاقیت در طرح و نقش در عین وفاداری به هنرهای سنتی ایرانی می‌توان

روش تحقیق

محدود جغرافیایی تحقیق، شمال غرب استان اصفهان روستای میمه وزوان است. این تحقیق از نوع توصیفی، تحلیلی و کاربردی است. برای جمع‌آوری اطلاعات از موارد متنوعی همچون کتاب‌ها، مقالات، اسناد و آمار استفاده شده است. مطالعات کتابخانه‌ای، پیمایشی، مطالعه اسناد و مدارک، استفاده از تجارب کشورهای موفق در توسعه پایدار بخش روستایی و کشاورزی مانند ژاپن، کره جنوبی و هندوستان، شناسایی شرکت تعاونی در بخش روستایی و کشاورزی استان اصفهان، استفاده از سایت‌های اینترنتی و کتابخانه‌های دیجیتال و تجزیه و تحلیل اطلاعات و در نهایت "ارائه راهکارها و الگوهای کارکردی در موضوع تحقیق"، از روش‌ها و اهداف اصلی این تحقیق است.

اهمیت موضوع تحقیق

- در خصوص صنعتی کردن مملکت، خواستار یک صنعت ملی و مستقل هستیم که همراه با کشاورزی در خدمت مردم قرار گیرد؛ نه یک صنعت وابسته به خارج. مردم باید سعی کنند که در بخش کشاورزی و صنایع کوچک فعال باشند و توجه به صنایع بزرگ باعث نشود که صنایع کوچک هم از بین برود (اکبری، ۱۳۷۸: ۲۹).

- استقلال و عدم وابستگی باید در سطح پایین و زیرین آغاز شود و در صورتی که هر روستا خودکفا و قادر به مدیریت امورات خود شود؛ آن به دست می‌آید (ماهاتما گاندی).

- اگر بتوانیم نظر مقامات و مردم را از پروژه‌های عظیم دور کنیم و توجه آن‌ها را به نیازهای واقعی فقرا جلب کنیم، قادریم در مبارزه پیروز شویم (ای. اف. شوماخر). کوچک زیباست. نقل شده در: رابرت چمبرز. (۱۳۸۱: ۶۷).

نقش گردشگری در تولیدات صنایع دستی و توسعه روستایی

امروزه رشد جمعیت در مناطق روستایی، بدون سرمایه‌گذاری نظام‌مند برای تقویت زیرساخت‌های اقتصادی و متنوع سازی آن‌ها، به گسترش بیش از حد فعالیت‌های تولیدی و متکی بر منابع طبیعی انجامیده و این گسترش ناپایدار نیز به گونه‌ای محسوس به تخریب فزاینده منابع طبیعی موجود منجر شده است. گذشته از این پیامد منفی، با میزان پایین بهره‌وری نیروی کار و حذف زنان به عنوان نیروی کار در نتیجه ماشینی شدن نامناسب، میزان بالای بیکاری (پنهان و آشکار) در بخش تولیدات روستایی و گسترش فناوری سرمایه‌بر، ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار از طریق گسترش کارکردهای

متکی بر منابع طبیعی در پاسخ به خیل عظیم بیکاران روستایی که بی‌بهره از سرمایه و مهارت لازم، ناگزیر با مهاجرت به کلان‌شهرها حاشیه‌نشینی را گسترش می‌دهند تا حدی غیرممکن شده است (حیدری چپانه، ۱۳۸۳: ۲۳).

در جهان پرتلاطم کنونی، روستاها به کانون تردد انسان‌هایی بدل شده‌اند که برای فرار از زندگی پرهیاهوی شهری و زندگی ماشینی به روستاها سفر می‌کنند. امروزه با توجه به دامنه تقاضا و نیازهای محیط‌های روستایی، گردشگری روستایی روبه توسعه است و روبه‌روز بر اهمیت و جاذبه خاص آن افزوده می‌شود. در فرایند برنامه‌ریزی منطقه‌ای، می‌توان گردشگری روستایی را ابزاری برای افزایش اشتغال محلی و بهبود کیفیت زندگی و در نتیجه، افزایش سطح رفاه اقتصادی و امکانات اجتماعی منطقه‌ای به حساب آورد و زنان به عنوان نیروهای کاری در تولید صنایع روستایی نقش مهمی را ایفا می‌نمایند (منشی‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۶۶). باید برنامه‌ریزی گردشگری در سطح ملی و منطقه‌ای صورت بگیرد تا از این رهگذر، سیاست‌های توسعه گردشگری، طرح‌های مربوط به ساختار، معیارها و استاندارد ملی، امکانات، عوامل نهادی و دیگر عناصر ضروری برای توسعه و مدیریت گردشگری و صنایع دستی مدنظر قرار گیرد. از این رو در چارچوب برنامه‌ریزی ملی و منطقه‌ای، تهیه برنامه‌های تفصیلی‌تر برای جاذبه‌های گردشگری، گردشگاه‌ها، شهرها و روستاها و سایر اقسام گسترش صنایع روستایی و صنایع دستی میسر است (سازمان جهانی گردشگری، ۱۳۷۹: ۱۴). بر اساس اطلاعات منتشر شده توسط سازمان جهانی گردشگری ملل متحد تا پایان سال ۲۰۰۶، گردشگری رشدی معادل ۷/۲ درصد داشته و صنایع روستایی به نسبت ۶/۴ رشد داشته است. در هشت ماهه اول سال ۲۰۰۶ نیز با وجود ترس از درگیری‌ها و تروریسم، رشد گردشگری در جهان معادل ۴/۵ درصد و تولید صنایع دستی ۳/۸ درصد بوده است (خبرگزاری میراث فرهنگی: ۱۳۸۵). کارشناسان صنعت گردشگری بر این باورند که از نظر ظرفیت‌های برنامه‌ریز صنعت گردشگری، ایران جزو ده کشور جهان به شمار می‌رود، در حالی که سهم ایران از درآمد بازارهای بین‌المللی صنعت گردشگری و صنایع دستی بسیار اندک است. با اندکی تعمق، می‌توان به این حقیقت پی برد که صنعت گردشگری و تولیدات صنایع روستایی و صنایع دستی در ایران، چنان‌که باید و شاید، در تولید درآمد و بهبود شرایط اقتصادی ملی و ناحیه‌ای موفق نبوده است (حیدری چپانه: ۱۳۸۳).

جدول ۱ - میانگین سهم هر یک از بخش‌ها در صنعت گردشگری در استان اصفهان
(این جدول از مرکز اسناد استاندارد استان اصفهان تهیه شده است. به شماره D. A. SF، ۱۹، ۲۴۸)

متغیر	تعداد	میانگین رتبه
تکامل	استانداری	۲۰۰
	میراث فرهنگی	۷۰
	مردم	۲۰
اجتماعی	مردم	۸۰
	استانداری	۲۰۰
	میراث فرهنگی	۷۰
اقتصادی	مردم	۱۰۹
	استانداری	۳۶
	میراث فرهنگی	۳۹
آموزشی	مردم	۳۶
	استانداری	۲۹
	میراث فرهنگی	۳۷

دارد. به نظر می‌رسد که بسیاری از بررسی‌ها نقش مزرعه و کشاورز مبنی بر زمینه‌سازی گردشگری زراعی را تأیید می‌کنند (Fleischer and Tchetchik, 2005)^۵. به استناد یکی از مقالات مستدل طبیعت گردی، این واژه در اوایل ۱۹۸۰ توسط سبالوس لاسکورین ابداع شده است. او در تعریف واژه طبیعت گردی چنین می‌گوید طبیعت گردی سفری است به مناطق طبیعی نسبتاً بکر و دست نخورده با هدف مطالعه، تحسین و لذت بردن از مناظر، جانوران، گیاهان وحشی منطقه و هر گونه آثار فرهنگی (گذشته و معاصر) که در این مناطق یافت می‌شود^۶ (فنل، ۱۳۸۵: ۵۶). گرچه اکوتوریسم یک راهبرد توسعه اقتصادی بادوام را برای مناطق روستایی و منابع طبیعی ارائه می‌دهد، اما نیاز به مدیریت قوی و دقیق دارد زیرا چه‌بسا گاهی نیز مردم را به رقابت برخلاف منابع طبیعی وامی‌دارد.

بنابراین، گردشگری روستایی واقعاً به یک ناحیه عمده «جدید» برای تقاضای گردشگری تبدیل شده و از سوی همه سیاستمداران مورد موافقت جدی قرار گرفته است که در این زمینه، پیگیری‌هایی نیز صورت می‌گیرد. از حدود بیست سال پیش، مفهوم گردشگری پایدار (در نتیجه افزایش بحث‌های مقابله با نبود مدیریت گردشگری) مطرح شده است. به نظر می‌رسد که گردشگری پایدار در مناطق توریستی نتیجه رابطه‌ای سه‌گانه میان مناطق گردشگری، مردم و محل سکونت آن‌ها، مسافرت‌ها و صنعت گردشگری باشد و آموزش صنایع روستایی و صنایع دستی بخش عمده آن را شکل می‌بخشد.

در این زمینه دهیاری بخش بلخار و میمه اصفهان برای مناطق تحت پوشش خود به کمک جهاد کشاورزی و جهاد سازندگی و میراث فرهنگی مبادرت به برگزاری کلاس‌های آموزشی نمود. هدف از این آموزش‌ها

اصطلاح «گردشگری روستایی» در کشورهای مختلف دارای معانی متفاوتی است. برای مثال در فنلاند، اغلب به معنی اجاره دادن خانه‌های روستایی به گردشگران و تدارک مواد غذایی در روستاهاست؛ در مجارستان، اصطلاحی ویژه برای روستاهای توریستی وجود دارد که فقط به فعالیت‌ها و خدمات تدارک دیده شده در روستاها اشاره می‌کند و در واقع، حاکی از نوعی گردشگری ارزان در آنجا و درگیر شدن در کشاورزی یا فعالیت‌های محلی دیگری است که چندان برای گردشگر معمول نیست. در اسلوانی بخش مهمی از گردشگری روستایی را گردشگری با خانواده مزرعه‌داران تشکیل می‌دهد که در آن، گردشگران در کنار خانواده کشاورزان یا در اتاقی مجزا اقامت می‌کنند. علاوه بر این، دیدار از مزارع و گردش و صرف غذا در درون مزارع نیز معروف است. در هلند گردشگری روستایی به معنی چادر زدن در مزرعه است و در مسیر مجاور مزارع، با فعالیت‌هایی نظیر قایق‌سواری، پیاده‌روی یا اسب‌سواری پیوند یافته است. در یونان شرط اصلی گردشگری روستایی عبارت است از تدارک صبحانه و رختخواب با اتاق‌های دارای لوازم زندگی متعارف و پذیرایی با صبحانه‌های متداول که اغلب از محصولات خانگی تهیه می‌شوند، در ژاپن شرایط گردشگری آشنایی با تولید صنایع دستی و مشارکت گردشگران در آن است. (به نقل از: Yu، 2004، 45)^۴. گردشگری زراعی و اکوتوریسم نیز زیرمجموعه‌های گردشگری روستایی محسوب می‌شوند. رندل و بازبی گردشگری زراعی را زیر مجموع گردشگری روستایی تعریف می‌کنند و براین باورند که گردشگری روستایی مبتنی بر محیط روستاست، اما گردشگری زراعی بر پایه مزرعه و کشاورزی استوار است و میان این دو ارتباطی سست و ضعیف وجود

جلب منابع اقتصادی، تولید صنایع‌دستی و تولیدات بومی‌روستایی بود. نتایج حاصل از آموزش در جدول زیر تدوین و تنظیم شد که در آن سهم زنان روستایی در بخش‌های آموزشی ۸۳٪ از کل مجموع بود.

جدول ۲- نتایج آموزش‌های هدفمند جهاد سازندگی و جهاد کشاورزی بلخار و میمه ۱۳۷۹ - آرشيو (شماره ۱۹۵۴ ردیف ۳ بند ۱ - آموزش)

چالش‌ها	آموزش‌های پایه و عمومی	کالبدی	اقتصادی	اجتماعی	تعامل
۵۳۸۵	۱۰۲۹	۲۰۶۹	۹۲۳۳	۳۵۲۶	۲۴۷۸
۹۱٪ زنان	۶۹٪ زنان	۸۶٪ زنان	۸۱٪ زنان	۷۳٪ سهم زنان	

افزایش کیفیت صنایع روستایی و صنایع‌دستی تقویت صنعت گردشگری که برای مدت‌زمان طولانی دوام داشته باشد؛ افزایش آگاهی‌ها و اطلاعات در رابطه با گردشگری که در صورت عدم تداوم دراز مدت آن بر اثر گوناگونی فعالیت‌های اقتصادی در روستا، خطراتی را در پی دارد و ایجاد برنامه‌های گردشگری پایدار که بر اساس یک محدوده گسترده از تحلیل‌های منطقه‌ای و بیشتر تاریخی استوار باشد. شناخت تاریخ، هنر و فرهنگ و صنایع‌دستی بومی منطقه از ضروریات به شمار می‌آید (هنگان، ۲۰۱۲)^۱. در هندوستان و چین گردشگری با آموزش هنر روستایی و صنایع‌دستی بومی همراه است و گردشگران در سیستم آموزش هنر و فرهنگ و تولید صنایع روستایی و صنایع‌دستی مشارکت می‌نمایند (همان).

مفاهیم اولیه گردشگری پایدار اولین بار توسط جان کریپندورف و دیگران در ۱۹۸۰ بیان شد و از آن‌پس در مکان‌های بسیاری تمرین و آزمایش شده که نشانه‌های آن موارد زیر است:

تحلیل از نیازهای اجتماعی، اقتصادی، بوم‌شناختی و فرهنگی منطقه؛ تحلیل از ظرفیت‌های گردشگری و محدودیت‌های توسعه آن در آینده؛ استفاده از گردشگری به‌مثابه ابزاری برای اصلاحات اجتماعی، اقتصادی، بوم‌شناختی و فرهنگی منطقه؛ ارزیابی قوی از مشارکت محلی در فرایند تهیه برنامه و تصمیم‌گیری برای تداوم آن؛ مدنظر قرار دادن ظرفیت‌های گردشگری و نوع و مقیاس توسعه آن؛ استقرار فرصت‌ها و راهبردهای بازاری برحسب راهبردهای گردشگری پایدار، برنامه‌های آموزشی برای بازار و مشاغل؛ بیمه و تأکید بر ضرورت حمایت از کشاورزان و راهبردهای طولانی (پنج‌تا ده‌ساله برای سازگار شدن)، البته برای داشتن کارآیی، باید فهرستی از اولویت‌ها و برنامه کاری یک‌ساله حداقل در طول سه سال داشته باشیم (هنگان، ۲۰۱۲). امروزه گردشگری روستایی از مردمی‌ترین اشکال گردشگری محسوب می‌شود (پاپلی یزدی و سقایی، ۱۳۸۵: ۲۰۱).

زنان روستای میمه و وزوان اصفهان با مشارکت جهاد سازندگی، میراث فرهنگی و استانداری اصفهان توانستند در هنر قالی‌بافی به دستاوردهایی چشم‌گیر دست یابند. ایشان در بخش تولید مواد اولیه بومی و مرغوب، خلاقیت در ارائه طرح‌هایی سنتی اصیل ایرانی (مانند زیرانداز، آویز، چمدان و ساک‌های مسافرتی) در جذب گردشگر و توسعه اقتصاد پایدار و رفع بیکاری الگوهای تازه‌ای ارائه نمودند. ایشان پس از آموزش‌های عمومی و کسب مهارت‌های اقتصادی، اجتماعی، زبان‌آموزی در آموزش‌های تخصصی مانند آشنایی با بازار جهانی و جمع‌آوری اطلاعات از سطح سلیقه متقاضیان به سطح بالاتری از آموزش‌ها را یافتند.

در گذشته، صنعت گردشگری بر این رابطه سه‌گانه غلبه داشت، اهداف گردشگری پایدار برای تطبیق و تعادل بحران‌های این سه بخش ایجاد شده است و چنین تعادلی را در مدت‌زمان طولانی حفظ می‌کند. در واقع گردشگری پایدار به سمت کاهش خطرات فرهنگی و محیطی، رضایت گردشگران و افزایش رشد اقتصادی برای مدت‌زمان طولانی و حفظ تعادل بین ظرفیت رشد گردشگری و آموزش‌های متقابل فرهنگی، هنری و حرفه‌ای استوار شده و بر حفظ ضرورت‌های زیست‌محیطی در منطقه گرایش دارد (لن، ۱۹۹۴).^۲ در ایران رعایت اصول و قوانین اسلامی، اصالت طرح و نقش در هنرهای سنتی و پایبندی به هنرهای اصیل اسلامی از شروط اساسی به شمار می‌رود.

جدول ۳- هنرها و صنایع‌دستی میمه و وزوان (اصفهان) (جدول جهاد سازندگی آرشيو، ردیف ۸، بند ۳۰- هنرها شماره ۵۳۸- ۱۴)

فرش‌بافی	کلیم‌بافی	جاجیم‌بافی	شم‌بافی	کنف‌بافی	سوزن‌دوزی	ترمه‌دوزی
۱۰۰٪	۷۰٪	۸۰٪	۳۰٪	۱۵٪	۲۵٪	۵۰٪

مفهوم پایدار در گردشگری روستایی با پیگیری اهدافی چندگانه امکان تحقق خواهد داشت و نباید فقط بر پایه محافظت از منابع طبیعی استوار باشد. اهداف موردنظر باید مطابق با موارد زیر باشد:

تقویت فرهنگ و خصوصیات جوامع میزبان؛ تقویت چشم‌اندازها و سکونت‌گاه‌ها؛ تقویت اقتصاد روستا؛

در این بخش از آموزش‌ها کارگران ساده از کارگران ماهر و صاحب مدارک دانشگاهی جداسازی شدند.

جدول ۴ - میزان تحصیلات زنان روستایی میمه و وزوان اصفهان جهاد سازندگی بلخار و میمه ۱۳۷۸ (آرشیو شماره ۱۹۷۶۳ - ردیف ۱۳ - بند ۳ - آموزش)

سوادآموزی	دبستان	راهنمایی	دبیرستان	دانشگاهی
۵ %	۲ %	۱۵ %	۹۷ %	۸۳ %

زیست‌بوم‌های طبیعی و فرهنگ‌های بومی و منطقه‌ای است (رضوانی و صفایی: ۱۳۸۴). برخی عوامل کاهش آثار گردشگری روستایی به‌مثابه ابزاری برای توسعه روستایی عبارت‌اند از: تعداد محدود سرمایه‌گذاران در مناطق روستایی، بعضی سرمایه‌گذاری‌های حفاظت از منابع طبیعی و صنایع روستایی؛ کوچک بودن مقیاس و گوناگونی منابع طبیعی در آن مناطق روستایی که تعداد سرمایه‌گذاران انگشت‌شمار است؛ ناقص بودن بازار و تهیه کردن محصول؛ فقدان سیاستی برای مدیریت توسعه و بازار گردشگری روستایی (هنگان، ۲۰۰۲).

روستای میمه و وزوان با مشارکت زنان تحصیل‌کرده دانشگاهی و آشنا به هنر قالی‌بافی توانست با بازنگری طرح و نقش در قالی‌های سنتی منطقه و احیاء و بازآفرینی همراه با خلاقیت در رنگ‌آمیزی، همچنین تولید مواد اولیه مرغوب در روستا به اقتصاد پایدار دست یابد. از سوی دیگر تا پایان سال ۱۳۸۵ به بعضی از آثار شهرنشینی غلبه یابد و در حفظ محیط روستایی و بافت سنتی آن نیز موفق شود.

عوامل مؤثر در طرح و تولید قالی‌بافی (صنایع دستی میمه و وزوان اصفهان)

دست یافتن به ارزش‌های قومی ملی میهنی

جدول ۵ - عوامل مؤثر در طرح تولید قالی‌بافی روستای میمه و وزوان اصفهان - جهاد سازندگی و جهاد کشاورزی ۱۳۷۹ (آرشیو شماره ۶۳۹ - ۱۴ ردیف ۹ بند ۳۰ - هنرها)

هدف	معنویت	اطلاعات	تحصیلات	فرهنگ	اقتصاد
۹۴ %	۳۵ %	۹۳ %	۹۰ %	۳۸ %	۳۰ %

نگاهی به راهبردهای اقتصادی روستاها در فرایند توسعه

امروزه واژه صنایع روستایی و صنعتی شدن روستاها در ادبیات برنامه‌ریزی توسعه در کشورهای مختلف دنیا از جمله کشورهای در حال توسعه نظیر چین، هندوستان، مالزی، مصر و... از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و این مقوله سهم چشمگیری در ایجاد اشتغال، افزایش درآمد و بهبود معیشت روستائینان به‌ویژه زنان روستایی ایفا می‌کند.

تا قبل از دهه ۱۹۵۰ به صنایع کوچک و روستایی توجه چندانی نمی‌شد، اما در دهه ۵۰ بسیاری از کشورهای در حال توسعه برای مقابله با بیکاری و فقر، برنامه‌ریزی وسیعی را برای گسترش این صنایع به عمل آوردند و

آماري از میزان تحصیلات زنان روستای میمه و وزوان اصفهان در سال ۱۳۷۸ تولید و توسط جهاد سازندگی و جهاد کشاورزی ارائه شده است. در بررسی سطح تحصیلات اعضا تعاونی‌ها مشخص شد که این روستاها با بیشترین فراوانی، دارای تحصیلات دانشگاهی بودند.

جاذبه‌ها، امکانات و قابلیت‌های توسعه گردشگری در نواحی روستایی کشور ما بسیار متنوع و گسترده است؛ با این‌همه، تاکنون این جاذبه‌ها چندان شناخته و معرفی نشده و بهره‌برداری‌های لازم از آن‌ها به عمل نیامده است. در ایران تاکنون بیش از ۳۵۶ روستای هدف گردشگری تعیین شده و سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری مسئول تدوین و تهیه اطلاعات و آگاهی‌های لازم از ویژگی‌های این روستاها شده است. مطالعات گوناگون نشان داده است که ورود گردشگران شهری به جامعه روستایی بروز سلسله کشمکش‌هایی میان دو شیوه زندگی و نبودن امکان ادغام یکی در دیگری را موجب شده است (لانکوار، ۱۳۸۱: ۹۱). نتکون نیز روشن کرده است که گردشگری در یک جامعه گروه‌های انسانی متفاوت را به بازشناسی و مقایسه وامی‌دارد؛ بنابراین، طبقات بالاتر مردم می‌توانند در زندگی گردشگران مشارکت داشته باشند؛ اما به دلایل سیاسی - اجتماعی به‌ویژه در جوامع کشاورزی، ترجیح می‌دهند در محیط بست خود زندگی کنند.

در زمینه ارتباط بین گردشگری و توسعه روستایی سه دیدگاه مطرح است. دیدگاه اول گردشگری را به‌مثابه راهبردی برای توسعه روستایی به کار می‌گیرد. در دیدگاه دوم، گردشگری به‌مثابه سیاستی برای باز ساخت سکونت‌های روستایی مورد توجه قرار می‌گیرد. در دیدگاه سوم، گردشگری روستایی به‌مثابه ابزاری برای توسعه پایدار و حفاظت از منابع طبیعی، افزایش کیفیت صنایع روستایی و صنایع دستی مطرح است؛ این دیدگاه خواهان رشد بلند مدت گردشگری بدون آثار مخرب بر

به آموزش روستاییان به خصوص زنان پرداختند. در این خصوص کشورهای نظیر چین، هندوستان، کره جنوبی و اندونزی نسبت به سایر کشورها اهمیت و اولویت بیشتری را برای صنایع کوچک و روستایی قائل شدند؛ ولی با وجود توجه کشورهای در حال توسعه طی چند دهه گذشته به صنایع روستایی، هنوز هم بعضی از این کشورها در مورد صنعتی سازی روستاها و شناخت‌شناسی مفهوم صنایع روستایی با چالش مواجه هستند. ایران نیز پس از انقلاب اسلامی و طی دو دهه گذشته از طریق وزارت جهاد سازندگی، مقوله صنایع روستایی را بیش از گذشته با ترسیم اهداف زیر مورد توجه قرار داده است:

الف) کمک به عمران و توسعه پایدار روستاها برای بهبود وضع اقتصادی اجتماعی روستائینان از طریق آموزش مهارت‌های صنایع دستی به زنان از طریق:

۱. جلب مشارکت مردم در سرمایه‌گذاری برای ایجاد و توسعه صنایع روستایی (تبدیلی، کوچک و دستی).
 ۲. فراهم کردن زمینه‌های اشتغال زنان و افزایش درآمد برای روستائینان و تحقق عدالت اجتماعی.
 ۳. زمینه‌سازی برای بهره‌برداری بهینه از امکانات و قابلیت‌های مناطق روستایی برای تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی زنان در این مناطق.
 ۴. ارتقای دانش فنی و مهارت زنان روستایی و افزایش بهره‌وری نیروی کار ایشان.
 ۵. پشتیبانی از فعالیت‌های بخش کشاورزی و صنایع وابسته و مشارکت بیشتر زنان در این بخش.
- روستای وزوان با الگو قرار دادن اهداف دو دهه گذشته وزارت کشاورزی و جهاد سازندگی توانست در تولید صنایع دستی به‌ویژه هنر قالی‌بافی نه تنها به بهبود وضع اقتصادی روستا بلکه به توسعه پایدار آن نیز دست یابد. زنان روستا با جلب مشارکت در سرمایه‌گذاری اندک برای ایجاد توسعه صنایع دستی و کوچک خود قدم برداشتند و با این کار در واقع زمینه‌های اشتغال‌زایی برای افراد بیشتر را فراهم آوردند. به این ترتیب امکانات و قابلیت‌های منطقه روستایی و تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی، فرهنگی و هنری نیز بیش از پیش به وجود آمد.

کسب مهارت کلاس‌های آموزشی و افزایش دانش فنی، هنری و تخصصی زنان جهت بهره‌وری نیروی کار ایشان نیز رو به فزونی نهاد. طبق گزارش‌ها جهاد سازندگی میزان سطح آگاهی زنان روستایی وزوان از صنایع دستی تا هشتادوپنج درصد تا سال ۱۳۸۵ بر میزان صادرات ایشان مؤثر بوده است. (جهاد سازندگی استان اصفهان - آرشيو ۱۴ هنر، بند ۳ ردیف ۹۸)

ب) تولید و تأمین بخشی از کالاهای مورد نیاز کشور

ج) کمک به افزایش صادرات غیرنفتی با محوریت تولید روستایی و صنایع دستی.

وزارت جهاد سازندگی اقدامات و عملکرد چشم‌گیری در خصوص صنایع روستایی داشته که به صورت خلاصه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. برای تحقق این اهداف، اداره کل طرح‌های صنعتی و بهره‌برداری از بدو تأسیس تا پایان نیمه اول ۱۳۷۹ نسبت به صدور ۱۲۸۱۹ فقره مجوز تأسیس با پیش‌بینی سرمایه‌گذاری ۷۲۵۸ میلیارد ریال و میزان اشتغال ۱۷۲۵۷۲ نفر اقدام کرد. از این تعداد ۴۵۹۲ طرح با سرمایه‌گذاری ثابت ۱۵۸۲ میلیارد ریال و ایجاد اشتغال ۵۳۹۸۳ نفر از زنان روستایی به مرحله تولید و بهره‌برداری رسیده‌اند (انتظاری، ۱۳۸۵: ۱۶۴).

علاوه بر این، به منظور اصلاح خطوط تولید و بهسازی کارگاه‌های صنایع دستی و روستایی و صنعتی موجود روستایی و بهداشتی کردن آن‌ها و بهره‌مندی از تسهیلات بانکی و نیز نظارت و ارائه خدمات مورد نیاز به این کارگاه‌ها باهدف افزایش کمی و کیفی تولیدات آن‌ها بالغ بر ۳۶۰۰۰ فقره مجوز کارت شناسایی صادر و برای تثبیت اشتغال ۳۶۰۰۰ نفر زن اقدامات لازم صورت پذیرفته است (رضوانی، ۱۳۸۳: ۱۰۳).

همچنین برای ارائه خدمات زیربنایی صنعتی، صنایع روستایی و دستی و ترغیب سرمایه‌گذاران و جلوگیری از تعرض به زمین‌های کشاورزی و رعایت موازین زیست‌محیطی، فرهنگی و هنری و صرفه‌جویی در هزینه‌های سرمایه‌گذاری اقدام به مطالعه و احداث ۱۷۰ ناحیه صنعتی و کارگاه صنایع دستی روستایی شده که از این تعداد ۹۰ ناحیه به مرحله بهره‌برداری رسیده است و در این نواحی ۳۴۹۰ واحد تولیدی قابل استقرار بوده که زمینه اشتغال ۲۰۱۲۰ نفر زن روستایی را فراهم خواهد کرد. ایران نیز با وجود توجهات و این اقدامات، در خصوص صنعتی شدن روستاها و شناخت مفهوم صنایع دستی و صنایع روستایی با چالش روبه‌روست (طاهر خانی، م. ۱۳۷۹: ۴-۱).

نگاهی بر تجارب موفق کشور چین در مناطق روستایی

برای دستیابی به الگوی بهینه صنعتی شدن روستاها در دوره بعد از اصلاحات (۱۹۷۰ م.) در چین، نقش عوامل زیر قابل توجه است:

۱. انعطاف‌پذیری بالا: سرمایه‌گذاری‌های روستایی
۲. سرمایه‌گذاری‌های کم‌هزینه
۳. مدیریت پویا: بر اساس آمارهای موجود
۴. جهت‌گیری به سوی گروه‌های هدف

۵. حمایت و گسترش واحدهای صنعتی روستایی با مالکیت‌های خصوصی و کاهش تصدی‌گری دولت به‌خصوص از اواسط دهه هشتاد

۶. فتاوری کاربر باهدف ایجاد اشتغال در بخش غیر کشاورزی و آموزش زنان به‌عنوان کارگران حرفه‌ای

۷. ایجاد روابط منطقی میان صنایع‌دستی و روستایی، صنایع مدرن و بخش کشاورزی

۸. سرمایه‌گذاری‌های وسیع، کوچک‌مقیاس مانند صنایع‌دستی و هنرهای دستی

۹. تفکر ایده آل توسعه صنعتی در مناطق روستایی

۱۰. اتخاذ تدابیر مناسب برای مکان‌یابی صنایع‌دستی و روستایی در مراکز روستایی منتخب (طاهر خانی، م. ۱۳۷۹: ۱۸۷-۱۸۴)

جهاد سازندگی با ساخت کارگاه‌های قالی‌بافی و تهیه مصالح و فراهم آوری و نیروی کارگر ساختمانی به زنان روستای میمه و وزوان کمک نمود. این نهاد انقلابی در بین سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ به‌صورت مستمر در برگزاری کلاس‌های آموزشی - فرهنگی و هنری، زنان این روستا را در رسیدن به اهدافشان هدایت نمود. در تهیه مواد اولیه بومی و ارزان‌قیمت، تهیه و جمع‌آوری اطلاعات دسته‌بندی‌شده از طرح‌ها و نقشه‌های قالی‌های مناطق اطراف روستای میمه و وزوان، ایجاد صندوق‌های قرض‌الحسنه و پس‌انداز جهت وام‌هایی با بهره‌های کم، آموزش رایانه (فتاوری کاربر) جهت بهره‌وری سریع و مطمئن اطلاعات، حمایت و گسترش واحدهای قالی‌بافی جدید، ایجاد در رابطه منطقی میان هنر قالی‌بافی روستایی با بخش کشاورزی دام‌پروری و آموزش و به‌روزرسانی اطلاعات زنان روستا، ایجاد تفکر ایده آل جهانی‌شدن صنایع‌دستی و هنرهای سنتی ایرانی اسلامی در بین زنان روستای میمه و وزوان از اهداف مهم جهاد سازندگی و جهاد کشاورزی استان اصفهان در منطقه بلخار و میمه و وزوان به شمار می‌آید (آرشیو اطلاعات جهاد سازندگی استان اصفهان آرشیو شماره ۱۴ هنر، بند ۳۰، ردیف ۹۳).

قالی‌بافی به علت تمایلات افراد شهری و غربی به ابداع آن، در حال شکوفایی هستند.

جدول ۷ - وضعیت آماری تحقیق (قالی‌بافان - جاجیم‌بافان - گلیم‌بافان) در منطقه بلخا (میمه و وزوان) - جهاد سازندگی و جهاد کشاورزی استان اصفهان (آرشیو شماره ۱۴ هنر - بند ۳ ردیف ۶۳)

تعداد اعضا		نام تعاونی فعال
مرد	زن	
۲	۹۳	قالی‌بافی میمه
۴	۱۰۸	قالی‌بافی وزوان
۲	۵	جاجیم‌بافی میمه
-	۳	جاجیم‌بافی وزوان
-	۲	گلیم‌بافی میمه و وزوان

بخش دوم) صنایع روستایی

شامل صنایع کوچک است که در واقع، تأمین‌کننده نیازهای کشاورزی، دام‌پروری و مکمل و زمینه‌ساز خودکفایی روستایی است. این بخش از صنایع روستایی به دلیل ناتوانی در رقابت با کالاهای ساخت شهری در بسیاری از روستاهای کشورهای در حال توسعه از بین رفته است و امروز خیل بی‌شماری از روستائیان را حاضر در بازارهای شهری برای تأمین مایحتاج تولیدی خود می‌بینیم.

وسایل تولیدی که سرمایه‌بر، پیچیده، پرمایه، متمرکز، منبع بر، منبع تلف کن و وابسته به منابع غیر محلی است، دارای آثار اجتماعی جبران‌ناپذیری است. این فناوری‌های علمی - صنعتی، مردم را از اشتغال برانداخته و آن‌ها را نسبت به جامعه بیگانه می‌کند. این فناوری‌ها به لحاظ محیطی مخرب بوده و در نهایت سبک زندگی ایشان را دچار اختلال می‌کنند. در مقابل، فناوری مناسب یک جنبش اجتماعی است و باید به‌عنوان یک جنبش شناخته شود. در حقیقت فناوری مناسب، کوششی برای به‌تحرك درآوردن کنش جمعی برای تعهد و تحول است؛ اما مناسب بودن این فناوری از محیطی به محیط دیگر متفاوت است؛ زیرا هر محیطی دارای شرایط اجتماعی، اقتصادی، اعتقادی و سیاسی خاص خود است که نظام ارزش‌های آن جامعه را معین می‌کنند (لهسایی‌زاده، ۱۳۷۹ و ۱۳۶۵).

خصوصیات فناوری مناسب در بخش روستایی کشورهای

صنایع روستایی کشورهای در حال توسعه شامل دو بخش عمده است:

بخش اول) صنایع‌دستی

صنایع‌دستی در روستاهای کشورهای در حال توسعه قدمت بسیاری دارد و از دیرباز روستائیان به آن مشغول بوده‌اند و هنوز هم گروه‌های کثیری از روستائیان از این راه امرامعاش می‌کنند. این صنایع در وضعیت متضادی قرار دارند. از یک‌طرف رشته‌هایی از آن مانند شال‌بافی، گیوه‌دوزی و سفالگری زیر ضربات وارده از تولید انبوه ماشینی شهری در حال اضمحلال هستند، در حالی که دسته‌ای دیگر چون

در حال توسعه در موارد بیان شده است:

۱. این فناوری دارای هزینه پایین و سرمایه کم بوده و به آسانی قابل حصول است.
۲. به لحاظ سرمایه گذاری، سرمایه اش توزیعی بوده؛ شامل مؤسسات کوچک و تنوع در محتواست.
۳. این فناوری دارای دامنه کم، قابل تعمیر، بادوام، مطمئن، ایمن، ساده و پیشرفته است.
۴. به لحاظ تصمیم گیری، نامتمرکز و دموکراتیک است و تولید تحت کنترل به کارگیرنده، فناوری و مصرف کننده محلی است.
۵. فناوری مناسب دربرگیرنده نوآوری محلی و در ارتباط با احتیاجات اساسی مردم است.
۶. این فناوری کاربر بوده و ایجاد مشاغل راستین می کند.
۷. تأکید بر تولید محلی برای نیازهای محلی است. همچنین نه فقط بر رشد اقتصادی بلکه تأکید روی کیفیت زندگی است.
۸. ایجاد اشتغال کامل، سطح زندگی متوسط و اختلاف درآمد را کم می کند.
۹. دارای مصرف کم و ذخیره وار منابع داخلی و طبیعی است.
۱۰. به لحاظ محیطی، توسعه مناسبی ایجاد می کند و کیفیت محیط را حفظ می کند. شیوه ای که فناوری مناسب با خصوصیات که در بالا گفته شد انتخاب و در روستاها به کار گرفته می شود باید در چارچوب مشارکت عامه باشد. یکی از اصول اولیه این است که بر اساس ظرفیت فناورانه مردم محلی و توانایی منابع محلی، باید این انتخاب و به کارگیری، پایه گذاری شود تا اینکه بتوانیم فرایند خود-تولید و خلاقیت فناورانه داخلی را به وجود آوریم.

صنایع دستی روستایی

منظور از صنایع دستی روستایی آن نوع از صنایع ساده و بدون پیچیدگی فنی است که در روستا منبع درآمد و شغل تکمیلی محسوب می شود و روستائیان در مواقع بیکاری فصلی بدان می پردازند. خانوار روستایی از مواهب صنایع دستی استفاده می کند تا بدین وسیله بتواند هم از اتلاف وقت خود جلوگیری کند و هم کالایی را تولید کند و در نهایت به نیازهای مصرفی خانواده خود پاسخی بدهد. صنایع دستی روستایی در واقع، مکمل فعالیت های زراعی و دام پروری دهقانان است. این بخش از فعالیت تولیدی که کار زنان و کودکان است، جنبه تولید خانوادگی دارد و بر تولید افزارمندی مبتنی نیست. از این رو، بیشتر به مصرف خانوارهای روستایی می رسد و تنها مازاد آن به بازار عرضه می شود. نوع صنایع دستی و روستایی تابع محیط

جغرافیایی و طبیعی است؛ زیرا این محیط است که مواد اولیه صنایع را در اختیار مردم قرار می دهد. از سوی دیگر، توسعه صنایع دستی حرفه ای در مناطق مختلف کشور تحت تأثیر توزیع منطقه ای میزان بارندگی و مقدار آب منطقه قرار دارد. از این رو، هر کجا میزان بارندگی کم است، صنعت دستی حرفه ای در آن رواج بیشتری داشته است. درآمد روستائیان از محل صنایع دستی در همه جای ایران یکسان نیست، بلکه در برخی از مناطق کمتر و در جای دیگر بیشتر است. چنانچه در پارهای از مناطق روستایی درآمد اصلی خانوارهای دهقانی تنها از قالی بافی یا پارچه بافی تأمین می شود و در مقابل، مناطق دیگری نیز وجود دارد که سهم درآمد حاصل از صنایع دستی آن ها، در درآمد کل روستائیان ناچیز است. برخی از صنایع دستی رایج در ایران به دلیل نفوذ پول و بازار در مناطق روستایی و شرایط جامعه در حال گذار ایران، به تدریج وسعت، نقش و اهمیت خود را از دست داده اند. برخی از آن ها عبارتند از قالی، گلیم، جاجیم، عبا بافی، زیلو، گیوه، سفال، سبد، جوراب، شال، گلابتون، پوستین، صابون، شمع، عرقچین و... (تقوی، ۱۳۸۱: ۱۰۰).

عدم تغییر طرح یک محصول و حفظ اصالت های موجود در آن در مواردی به عنوان یک ارزش تلقی می گردد و اما در مقابل امواج مدرنیته، تولید محصولات صنایع دستی به عقب رانده می شوند و در گذشت زمان تبدیل به عامل افول، رکود و متروک ماندن این محصولات خواهند شد. توجه به تنوع طرح، نقش و فرم در تولید محصولات صنایع دستی با حفظ میراث فرهنگی اصیل و کهن و اصول طراحی سنتی در ضروریات این مهم به شمار می رود:

۱. به لحاظ اقتصادی و تجارت جهانی محصولات صنایع دستی ایران در بازار رقابت ها از سایر کشورها عقب مانده و در بازارهای داخلی نیز دچار مشکلات اقتصادی و رکود شده است.

۲. با نبود توجه کافی به جنبه های کاربردی و کارکردی صنایع دستی مانند عدم دوام و استحکام، استفاده از مواد اولیه نامرغوب، استفاده از کارگران غیر حرفه ای و فاقد مهارت های لازم، محصولات صنایع دستی جنبه صرفاً تزئینی یافته است.

۳. از لحاظ فرهنگی صنایع دستی ایران دارای جایگاه رفیع و والایی در فرهنگ و هنر ایران و جهان است و از شاخصه های بارز فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی شناخته می شود.

۴. عدم آشنایی با طراحی در هنرهای سنتی ایرانی، عدم توجه به وجود استادکاران در سطوح دانشگاهی، مدرک گرایی در سطوح مختلف آموزشی و در نهایت ضعف در طراحی و ایده پردازی و خلاقیت، موجبات

عدم دستیابی به اهداف موردنظر در تولید محصولات صنایع دستی را بیش از پیش فراهم آورده است.

۵. رویکردها و دیدگاه‌های جهانی، نشان‌دهنده تغییر در نحوه نگرش به صنایع دستی و ارتباط آن با هنر و طراحی گردیده است. تعامل بین هنر، طراحی و صنایع دستی در حال حاضر در حوزه‌ها، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های جدیدی از تعامل بین طراحی، هنر و صنایع دستی ایجاد و معرفی شده است (استیونس، ۹، ۲۰۰۶: ۱۱).

در جامعه آماری موردتحقیق روستای میمه و وزوان استان اصفهان با آموزش‌های مستمر زنان تحصیل کرده و اطلاع‌رسانی به ایشان توسط جهاد سازندگی بین سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ و آشنایی آنان با بازار جهانی از طریق سایت‌های اینترنتی و جمع‌آوری طراحی‌ها و نقشه‌های قالی در مناطق موردنظر فعالیت‌هایی جهت بررسی اطلاعات در حیطه‌های زیر به انجام رسید:

بررسی نیازها

بررسی رابطه انسان با محصول

بررسی رابطه محصول با محیط

بررسی توسعه تاریخی نمونه‌های مشابه

بررسی طرح‌ها و نقوش مشابه

بررسی رابطه محصول با سایر اشیاء مرتبط

بررسی مواد و روش‌های ساخت (آشنایی با صنایع ایران، ۱۳۹۲: ۷).

نقش زنان روستایی در کارآفرینی

درباره کارآفرینی و فرد کارآفرین تعریف مشترکی که مورد اتفاق نظر همگان باشد وجود ندارد، اما می‌توان تعریف زیر را ارائه داد: کارآفرین کسی است که فرصت‌ها را تشخیص می‌دهد، منابع موردنیاز را جمع‌آوری می‌کند، طراحی و اجرای نقشه‌های عملی را به عهده می‌گیرد و نتایج به‌دست‌آمده را به‌موقع و با روشی منعطف جمع‌آوری می‌کند. نوآوری و ابداع عمده‌ترین خصوصیت کارآفرینی است. زنان روستایی ۵۰ درصد جمعیت روستاها را تشکیل می‌دهند از این‌رو نقش آنان در کارآفرینی نیز به این نسبت خواهد بود:

در تقسیم‌بندی منابع گردشگری، کارآفرینی جزء منابع کمیاب محسوب می‌شود و اغلب به‌اشتباه، یکی از آثار گردشگری کارآفرینی یاد می‌شود، در صورتی که کارآفرینی مفهومی وسیع‌تر و حتی محرکه صنعت گردشگری است و بر آن تأثیر می‌گذارد. تا آنجا که در آیین‌نامه جهانی اخلاقیات در گردشگری ۱۰ اصل بیان شده است که در اصل دهم آن بر رعایت حقوق کارآفرینان و کارگران در این صنعت و بر دسترسی رایگان کارآفرینان و سرمایه‌گذاران (به‌خصوص در زمینه نگاه‌های اقتصادی

کوچک و متوسط) به بخش گردشگری با محدودیت‌های اجرایی یا حقوقی اندک تأکید شده است.

صنایع روستایی و صنایع دستی دارای مزایای اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و محیطی ناشی از وجود کارآفرینی پایدار در صنایع کوچک و صنایع دستی روستایی هستند که صرف‌نظر از تمامی مزایای عنوان شده برای صنایع روستایی و صنایع دستی و نقش بااهمیت آن در توسعه و پیشرفت جوامع، این صنایع با چالش‌ها و تنگناهای بسیاری روبرو هستند که به‌قرار زیرند:

جدول ۸- مزایای اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و محیطی ناشی از وجود کارآفرینی زنان به‌صورت پایدار در صنایع کوچک و صنایع روستایی و صنایع دستی (آشنایی با صنایع دستی ایران، ۱۳۹۲، ۲۱)

مزایای اقتصادی	مزایای فرهنگی-اجتماعی	مزایای محیطی
۱. افزایش اشتغال و ایجاد آن در بین زنان ۲. افزایش تعداد بنگاه‌های اقتصادی در زمینه تولیدات و صنایع کوچک روستایی و صنایع دستی	۱. تقویت فرهنگ و هویت ملی و محلی ۲. بهبود کیفیت زندگی ۳. حفاظت و نگهداری از میراث فرهنگی و تاریخی	۱. ارتقا و توسعه پایدار صنایع دستی و صنایع روستایی ۲. حفاظت و نگهداری از میراث طبیعی و حفظ محیط زیست ۳. مدیریت پایدار زمین (سرزمین)

۱. صنایع دستی و روستایی نیز مانند سایر فعالیت‌ها طبق نظریه کرت لویت ۱۰، دارای چرخه حیات است که شامل پنج مرحله معرفی، رشد، بلوغ، اشباع و نزول است.
۲. طبق پیش‌بینی‌های سازمان جهانی گردشگری هم‌زمان با بحران جهانی اقتصادی و افزایش تورم در جهان، تعداد گردشگران بین‌المللی به‌مرور کاهش خواهد یافت. در نتیجه تقاضای جهانی برای خرید صنایع دستی نیز تحت تأثیر قرار خواهد گرفت.

از طرفی بحران‌هایی همچون مصیبت‌های طبیعی مثل طوفان، سیل، زلزله، تکرار وقایع تروریستی، تنش‌های سیاسی و آشفتگی‌ها و ناآرامی‌های اجتماعی نیز بر صنایع دستی و روستایی تأثیر می‌گذارد.

مسئولان جهاد سازندگی با مشارکت زنان تحصیل کرده روستایی میمه و وزوان با درک شرایط جهان معاصر و موقعیت صنایع دستی ایران برای جلب مشتریان در بازارهای داخلی و خارجی مسائل مهمی را تحت عناوین زیر مدنظر قرار دادند:

۱. طراحی خوب برگرفته از هنرهای سنتی و اصیل ایرانی
۲. کیفیت مطلوب و مرغوب محصول
۳. توجه به فرهنگ و هنر اسلامی- ایرانی

از این رو تولید محصولات صنایع دستی اصیل، خوش آیند و کارآمد می‌تواند چشم‌انداز و انتظارات انسان امروزی را در سبک زندگی متحول نموده و ارتقا بخشند. همچنین در مقوله معرفی و به کار بردن و جایگزین نمودن مواد جدید و یا در بهکارگیری فناوری‌های نو و ارتقای

کشورها- می‌تواند در ایجاد کار و درآمد برای روستائیان داشته باشد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تمام جامعه آماری این تحقیق که شامل تعاونی‌ها، زنان روستای میمه و وزوان در استان اصفهان و کارشناسان ادارات جهاد سازندگی، اداره جهاد کشاورزی استان اصفهان و

جدول ۹- جهاد سازندگی استان اصفهان (آرشیو - شماره ۱۴ - بند ۳۰ - ردیف ۱۰۷)

شکل			
زمینه	متن	هندسی پنهان	آرایه
فرش و قالی زیرانداز و آویز	طرح	هندسی آشکار	رنگ
		تلفیقی	درون‌متنی
ساک، کیف، چمدان	نقش	شکسته	فرا متنی
		بیجان	
		تلفیقی	تابلو فرش منظره و پرتره

جدول ۱۰- جهاد سازندگی استان اصفهان، آرشیو شماره ۱۴، بند ۳۰ - ردیف ۱۱۲

سنّتی		دانش	
	جدید		
گیاهی	طبیعی	مواد و مصالح	
جانوری			
معدنی			
معنوی و مادی	سرمایه	تولید	
ساده، دستگاه‌ها، تجهیزات	ابزار وسایل		
خانگی - کارگاهی	محل تولید		
تک ساز - انبوه‌ساز	میزان تولید		

خط تولید و روش‌های نوین ساخت نقش دانش فنی غیرقابل‌انکار است. استفاده از مواد مرغوب و متنوع بر زیبایی محصولات می‌تواند مؤثر باشد و توان رقابتی آن‌ها را در بازارهای داخلی و خارجی افزایش می‌دهد که زنان کارآفرین میمه و وزوان استان اصفهان این‌گور را در تهیه مواد اولیه مدنظر قراردادند.

نتیجه

تمام استان اصفهان و قسمت وسیعی از ایران (حدود هشتاد درصد وسعت ایران) اقلیم و آب‌وهوای خشک و کویری دارد. این امر گویای این موضوع مهم است که برای دستیابی به اشتغال و توسعه پایدار در روستاهای این مناطق، ظرفیت بخش کشاورزی محدود است و می‌باید به دنبال گزینه‌های دیگری برای ایجاد کار و درآمد برای روستائیان بود. تجارب کشورهای موفق همگی مؤید این نکته مهم هستند که ایجاد و گسترش صنایع دستی سهم مهمی - حتی بالاتر از سهم کنونی بخش کشاورزی این

همین‌طور کارآفرینان نخبه و مددکاران جهاد سازندگی و صنایع دستی استان اصفهان هستند به نقش بسیار مهم و اساسی که ایجاد و گسترش صنایع دستی و فناوری‌های متوسط در توسعه اشتغال پایدار در روستاهای اصفهان و ایران می‌تواند داشته باشد، تأکید می‌کنند. صنایع دستی و صنایع روستایی می‌تواند به‌وسیله زنان کارآفرین روستایی مورد توجه و بهره‌برداری قرار گیرد. با توجه به آمارها و شواهد، فرصت‌های ناشناخته فراوانی در صنایع دستی و صنایع کوچک که در روستاهای ایران وجود دارد و از آنجاکه صنایع دستی یک صنعت پویاست و نیازمند عرضه خدمات متنوع و گوناگون است، زنان کارآفرین روستایی می‌توانند با ایده‌های نو و کارآفرینانه ضمن بهره‌برداری از مزیت‌ها و ظرفیت‌های ناشناخته و بالقوه در روستاهای ایران، باعث رونق در صنعت گردشگری و توسعه صنایع کوچک و صنایع دستی روستاهای ایران شوند. همچنین، علل عدم پیشرفت روستاها در ایران عبارت‌اند از: جوان بودن جمعیت روستاها، وضع بد

بهداشتی آن‌ها، پایین بودن میزان درآمد، وضع نامناسب تغذیه، پایین بودن میزان سواد به‌ویژه در بین بانوان و... . دستاوردهای این پژوهش حاکی از این است که راهکارهای دستیابی به توسعه روستایی عبارت است از: بررسی علل و عوامل مؤثر در عقب‌ماندگی و پایین بودن توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی محیط روستایی و همچنین تعیین انگیزه‌ها در زمینه‌های ایجاد کننده توسعه و جلب مشارکت زنان روستایی در عمران محیط خود. برخی از هدف‌های توسعه روستایی عبارت است از آگاه‌سازی زنان روستایی، جلب مشارکت آنان، ایجاد هماهنگی و همیاری در جامعه زنان روستایی، توسعه و بهبود مدیریت روستایی و ایجاد نظارت اجتماعی به‌وسیله آنان. در حقیقت، ضروری است که دستکم بخش مهمی از تلاش‌های عمرانی در شهرهای بزرگ انجام نشود و مستقیماً به ایجاد یک «ساختار صحیح در صنایع دستی» در نواحی روستایی و شهرهای کوچک تعلق گیرد. برای یک زن روستایی فرصت کار کردن بزرگ‌ترین نیاز است، بنابراین، باید سعی شود تا مختصات فناوری مناسب برای هر کشور در حال توسعه توسط نظام ارزشی آن جامعه خاص، تعیین شود تا راهنمای متخصصان و سازندگان فناوری مناسب روستایی باشد؛ اما این فناوری روستایی می‌تواند یک مختصات عمومی داشته و کوچک، نامتمرکز، صرفه‌جو همراه با منبع محلی و تجدید پذیر باشد. توجه به تولیدات صنایع دستی از قبیل جاجیم‌بافی، قالی‌بافی، گلیم‌بافی، پارچه‌بافی، گبه‌بافی که بخش اعظم آن‌ها توسط زنان روستایی تهیه می‌شود این خصوصیات را در بردارند. این فناوری که کار دائمی و راستین ایجاد می‌کند، هدف آن عرضه احتیاجات اولیه مردم است و باعث خودکفایی جامعه می‌شود و به لحاظ محیطی یک محیط قابل تحمل با کیفیت بالای زندگی ایجاد می‌کند. فناوری مناسب نه تنها باید پاسخی در ارتباط با خواسته‌ها و نیازهای محسوس روستائیان باشد؛ بلکه در عین حال باید حاصل تفحصات و تنوعات و یا تطبیقات علمی و تحقیقی پژوهندگان و متخصصان داخلی کشور باشد؛ بنابراین، لازم است:

۱. مبتنی بر گسترش مرزهای دانش و توسعه بینش پژوهشی در آن جامعه باشد.
۲. سازگار با فرهنگ در حال تحول جامعه بهره‌برداران باشد.
۳. انطباق‌پذیر با شرایط طبیعی- اقلیمی محیط بهره‌برداران باشد.
۴. متناسب با شرایط اقتصادی عامه روستائیان باشد.
۵. هماهنگ با امکانات و توان‌های فنی و استعداد فراگیری بهره‌برداران و سرانجام به‌عنوان ابزاری مشروع و

مطلوب باشد. ۶. در خدمت تعالی فرهنگ جامعه متحول بهره‌برداران از آن فناوری‌ها باشد. در حقیقت، زنان روستایی می‌توانند با تولید صنایع دستی مانند قالی، جاجیم، گلیم و غیره در کنار وظایف خانه‌داری و کشاورزی و سایر فعالیت‌ها در زمینه کارآفرینی و تولید خلاق در توسعه روستا و توسعه صنعت روستایی نقش‌آفرینی نمایند.

برآیند این پژوهش حاکی از این است که با توجه به اهمیت و نقش چشمگیر صنایع دستی در توسعه و تحول اقتصادی در جوامع میزبان و وجود توانمندی‌های بالقوه فراوان در ایران برای توسعه این صنعت و بهره‌مندی از پیامدهای آن، نقش زنان کارآفرین در به فعل رساندن این توانمندی‌ها و بهره‌برداری از آن، حائز اهمیت است.

پیشنهادهای

زنان کارآفرین می‌توانند با شناسایی فرصت‌های بکر و ناشناخته موجود در مجموعه فعالیت‌های مرتبط با صنایع دستی و روستایی در سطح استان، اعم از حمل‌ونقل، تبلیغات و بازاریابی و غیره، با طرح و اجرای ایده‌های بدیع در قالب کسب‌وکارهای کوچک ضمن ایجاد اشتغال مؤلد و پایدار برای خود و دیگران کمک مؤثری به رونق صنایع دستی و در نهایت به توسعه پایدار منطقه‌ای در کشور ایران کنند. در این زمینه، اقدامات زیر پیشنهاد می‌شوند:

۱. سرمایه‌گذاری و توسعه فرهنگ کارآفرینانه در کشور.
 ۲. ایجاد تسهیلات برای راه‌اندازی کارگاه‌ها و انجمن‌های فعال فرهنگی و هنری از محل تسهیلات بنگاه‌های زودبازده در صنایع کوچک، روستایی و صنایع دستی.
 ۳. توسعه نقش بخش عمومی و خصوصی با ارائه ایده‌های کارآفرینانه در صنایع دستی.
 ۴. آموزش‌های بدیع، نو و کارآفرینانه به زنان روستایی در عرصه صنایع دستی.
 ۵. تأکید بر کارآفرینی پایدار در توسعه صنایع کوچک، صنایع دستی و روستایی.
- توجه به جنبه‌های گوناگون هنرهای سنتی ایرانی از قبیل طرح، نقش، زمینه، آرایه، متن، ظریف‌کاری، نازک‌کاری در احیاء طراحی‌های سنتی و تبدیل آن به طرح‌های بدیع و نوآورانه سهم و نقش مهمی را در تولید صنایع دستی دارد. کم‌توجهی به ایده‌پردازی و خلاقیت در طراحی منجر به تکرار نقوش و طرح‌ها و از دست دادن اصالت‌های فرهنگی و هنری، در کلیه محصولات صنایع دستی خواهد بود. شناخت عوامل مؤثر در طراحی و تولید صنایع دستی می‌تواند در تبیین طراحی‌های اشتغال و کارآفرینی با استفاده از جنبه‌ها و ظرفیت‌های گوناگون صنایع دستی

آموزشی و جمع‌آوری اطلاعات و دسته‌بندی طرح‌ها و نقش‌های سنتی فرش منطقه و احیا آن‌ها از یک‌سو به نوآوری در ایجاد ابداع و تنوع نقوش و طرح‌ها به نیازهای موجود در بازارهای داخلی و خارجی پاسخ مثبت می‌داد. بین سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ این روستا تا هشتاد درصد سفارش‌ها فرش استان اصفهان را تحت پوشش قرارداد و به میزان ۵٪ سهم صادرات فرش کشور را با نقوش و

بسیار مفید باشد. اهالی روستای میمه و وزوان از استان اصفهان با شناخت ظرفیت‌ها و به‌کارگیری زنان کارآفرین در هنر قالی‌بافی و احیا طرح‌ها و نقوش سنتی فرش‌های منطقه‌ای بلخار، میمه، وزوان و جوشقان با کمک جهاد سازندگی استان اصفهان توانستند توسعه پایدار روستایی را به وجود آورند. تهیه مواد اولیه طبیعی مرغوب در محیط روستا از ظرفیت‌های موجود به شمار می‌آید. شرکت در کلاس‌های

طرح‌های زیبای فرش‌ها به خود اختصاص داد.

پی‌نوشت‌ها

۱. Peter Duran
۲. Chitamber, JB
۳. Schumacher, K. P.
۴. Yu Hsiang-Te
۵. Fleischer and Tchetchik, 2005
۶. Fennel David A
۷. Lane, Bernard
۸. (Heneghan, 2002)

منابع

- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۹). جامعه‌شناسی توسعه، چاپ ۲، تهران: کلمه.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۰). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی، چاپ ۲، اطلاعات.
- اکبری، محمدرضا (۱۳۷۸). مواضع امام خمینی (ره)، تهران: انتشارات پیام عترت.
- انتظاری، یعقوب (۱۳۸۵). ارزیابی عملکرد نظام ملی دانش در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی.
- بخشی‌زاده، حسن (۱۳۸۷). بررسی امکان برنامه‌ریزی گردشگری روستایی در روستاهای شهرستان اردبیل (مورد مطالعه: روستای وکیل‌آباد «سردابه»)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- پاپلی‌یزدی، م (۱۳۸۵). گردشگری (ماهیت و مفاهیم)، تهران: سمت.
- توسلی، ن (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی روستایی، تهران: دانشگاه پیام نور.
- حیدری‌چیان، ر (۱۳۸۳). ارزیابی برنامه‌ریزی صنعت توریسم در ایران، پایان‌نامه دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز، دانشکده علوم انسانی و علوم اجتماعی.
- دی‌اش، ه و ویکرامانایاک، ب (۱۳۷۷). درسنامه برنامه‌ریزی توسعه روستایی، وزارت جهادسازندگی، تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
- رضوانی، م و صفای، ج (۱۳۸۴). «گردشگری خانه‌های دوم و آثار آن بر نواحی روستایی: فرصت یا تهدید (مورد: نواحی روستایی شمال تهران)»، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۴.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی ایران، تهران: قومس.
- سازمان جهانی گردشگری (۱۳۷۹). برنامه‌ریزی توریسم در سطح ملی و منطقه‌ای، محمود عبدالله زاده، تهران: پژوهش‌های فرهنگی.
- طالب، م (۱۳۷۶). مدیریت روستایی در ایران، تهران: دانشگاه تهران.

- فنل، د (۱۳۸۵). مقدمه‌ای بر طبیعت‌گردی، جعفر اولادی قادیکلایی، ساری: دانشگاه مازندران.
- کرمی، ع (۱۳۷۳). بررسی نظریه‌پردازی‌ها در ترویج کشاورزی، ج ۱، تهران: وزارت جهاد سازندگی.
- گروه مؤلفان، (۱۳۹۲). آشنایی با صنایع‌دستی ایران، چاپ ششم، تهران، شرکت چاپ و نشر.
- لانکوار، ر (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی جهانگردی و مسافرت، ترجمه‌ی صلاح‌الدین محلاتی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- منشی‌زاده، ر (۱۳۸۴). اندر مقوله‌گردشگری، تهران: پیام مؤلف.
- توسلی، غ (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی کار و شغل، تهران: انتشارات سمت.
- چمبرز، ر (۱۳۷۶). توسعه‌ روستایی اولویت‌بخشی به فقرا (حمایت از اقشار آسیب‌پذیر)، ترجمه‌ی مصطفی ازکیا، دانشگاه تهران.
- چمبرز، رابرت (۱۳۸۱). چالش با حرفه‌ها؛ نرمالی، تهران: معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی.
- چیتامبار، جی، بی (۱۳۷۸). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی روستایی چاپ ۲، ترجمه‌ی احمد حجاران و مصطفی ازکیا، تهران: نی.
- طاهر خانی، م (۱۳۷۹). صنعتی شدن روستا- سنگ بنای استراتژی آینده توسعه روستایی، تهران: وزارت جهاد کشاورزی.
- شوماخر، ای. اف (۱۳۷۲). کوچک زیباست: اقتصاد با ابعاد انسانی، چاپ ۳، تهران: سروش.
- شهبازی، ا (۱۳۸۱). توسعه و ترویج روستایی، چاپ ۳، دانشگاه تهران.
- گل‌محمدی، ف (۱۳۸۳). انتقال فناوری مناسب در روستا در ماهنامه علمی، اجتماعی، اقتصادی "جهاد"، شماره ۲۶۲/ سال ۲۴/ فروردین و اردیبهشت.
- لهسایی‌زاده، ع (۱۳۶۵). مشارکت به‌عنوان یک روش علمی توسعه در کشورهای پیرامون در: مجموعه مقالات کنفرانس مشارکت، تهران: جهاد سازندگی.
- لهسایی‌زاده، ع (۱۳۷۹). جامعه‌شناسی توسعه روستایی، شیراز: زر.
- هاشمی، ف (۱۳۸۱). بررسی روند اشتغال‌زایی صنایع کوچک در ایران، مجموعه مقاله‌های ارائه‌شده در همایش ملی بررسی راهکارهای علمی ایجاد اشتغال، ۲۴ آبان ۱۳۸۰، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- هیوا، ژ، دوبرولسکی، ک. چمبرز، ر (۱۳۷۷). مسائل جامعه‌شناسی روستایی، ساخت‌های اجتماعی جوامع روستایی، چاپ ۳، ویرایش اول، ترجمه‌ی مصطفی ازکیا، محمد مهاجر ایروانی، علی‌اکبر نیک خلق، تهران: روزبهان.
- E؛ و Cnuta، Liedholm. صنایع کوچک روستایی: شواهد تجربی و موضوعات مربوطه به سیاست‌گذاری، توسعه کشاورزی در جهان سوم، کریم درویشی و دیگران، تهران: وزارت کشاورزی.
- برگزاری میراث فرهنگی (۱۳۸۵). «آمار گردشگران در پایان سال ۲۰۰۵».

- www. chn. ir/news/?section=1&id=2028-

- Fleischer Aliza and Tchetchik, Anat) 2005(Does rural tourism benefit from agriculture? ", Tourism Management, Vol. 26, No. 4:493-501.,

-Heneghan) 2005(Maria, Structures and processes in Rural Tourism, Athenry: Rural Development Centre,
-Lane, Bernard) 1994 ("Sustainable rural tourism strategies: a tool for development and conservation", Journal of Sustainable Tourism. Vo12, Nos. 1&2. :12-18,

-Neidig ، Adam H) 2006(Rural Leaders' perception of Tourism Development in san Juan Country, Utah: A Case Study. Unpublished M. S. Thesis in Recreation Resources Management. Logan: Utah State University,

-Sonnino، Roberta) 2003(for a "piece of Bread"? Interpreting Sustainable Development Through Agritourism in Southern Tuscany, Italy, Unpublished ph. D. Dissertation, Kansas: University of Kansas, Department of Anthropolgy.,

-Wang, Yang) 2006(Rutal Community participation in Tourism Development: Cases from Hainan province, China, Unpublished ph. D. Dissertation. Waterloo (Ontario): University of Waterloo,

-Yu, Hsiang-Te) 2004 (Rural Tourism in Taiwan: Motivation, Expectations, and Satisfaction, Unpublished ph. D, Dissertation. San Antonio (Texas): University of the Incarnate Word.,

Role of Handicrafts in Women's Entrepreneurship and Economic Development

Z.Pakzad¹

Received: 2014.09.28

Accepted: 2015.06.07

Abstract

This paper studies the function of carpet industry in rural economic development in Vezvan County in the state of Isfahan, Iran. In this regard the spreading role of Handicraft industry as a sustainable economy is been considered too.

The importance of this activity and its role in economic development for creating job opportunities has been investigated comparatively with related models in developing countries such as India and China.

Economic developments in above mentioned countries as leading progressive countries is being reached on the basis of relevant knowledge and rural technologies in the employment region as an asset and its appearance as a role in the process of considerable developments.

The presence and the acting role of rural women in the northern part of state of Isfahan has been considered too .the research method is descriptive-analytical and the main purpose of the research is to indicate practical strategies and models.

The results are indicating that the plan of creating jobs or employment creation by these rural women in the field of carpet industry has approached the enrichment of the said economic developments in that region; where the major economic developments and expansion of handicraft industry has reached the overwhelming number at the value of 80%.

This approach as a trend to development is in the same routine that China and India used to heighten and improve their position in the world's economy as a reasonable high standard one.

Key Words: Handicrafts, entrepreneurship, rural economy, vernacular technology